

# استعداد من چیست؟

نویسنده : سعید نیا

# خود باوری

اولین قدم در راه موفقیت است

سعید نیا



تقدیم به

آنهايي که به انسانیت اعتقاد دارند.





## انتشارات آلوچه

نویسنده : سعید حکمتی نیا (سعید نیا)

ویراستار: خدیجه صراف رضوی

طراح و صفحه آرا: مهتری ریسمان باف

تعداد: ۲۰۰ عدد

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۳۴-۶-۲

## فهرست مطالب

- سخن نویسنده: ..... ۶
- مقدمه: ..... ۸
- چرا با خودمان بیشتر وقت بگذرانیم؟ ..... ۱۰
- چرا کنجکاو باشیم؟ ..... ۱۵
- چرا تحقیق و کتاب؟ ..... ۲۱
- چرا دوران کودکی؟ ..... ۲۳
- چرا نترسیم؟ ..... ۲۵
- چرا نظر سنجی از دوستان نزدیک؟ ..... ۲۷
- جمع بندی: ..... ۲۹

## سخن نویسنده:

من سعیدنیا ، فرزند اول از یک خانواده فرهنگی و متولد یکی از شهرستان‌های جنوبی استان خراسان هستم. از همان دوران کودکی از داشته‌هایم راضی نبودم از خانواده‌ام، اسباب‌بازی‌هایم ، محل سکونت و حتی خانه‌نقلی‌مان . از کودکی دوست داشتم بهترین باشم و از آن مکان و نیز سایر چیزهایی که به انتخاب خودم نبود دور باشم. هنگامی که از رویاها و آرزوهایم سخن می‌گفتم همه من را مسخره می‌کردند. اما من خود را باور داشتم و به دنبال آرزوهایم بودم. با اینکه کسی به اعتقادات و رویاهایم اهمیتی نمی‌داد دلسرد نشدم و داشتن زندگی خوب را برای خود هدف قراردادم تا به آن برسم .

لیسانس را ناتمام رها کردم به مشهد آمدم و زندگی جدید و کسب و کارهای گوناگون را امتحان کردم ولی برایم کافی نبود ،عطش شناختن خود و دنیای اطراف من را وا داشت تا به استرالیا مهاجرت کنم. مهاجرت را با تمام سختی‌ها ، بیکاری و بی پولی و نیز فرهنگ نژاد پرستی اش به جان خریدم و با امید به تحقق رویاهایم و شناختن درونم راه خود را دنبال کردم. در ابتدای ورود به استرالیا انتخابم برای محل زندگی شهر پرت ۱ بود . از همان ابتدا زندگی خوبی را شروع کردم . شرایط مالی و امکانات رفاهی بسیار خوبی داشتم ، که ناگهان با یک طوفان همه چیز را از دست

دادم. در آن زمان خلاء شدیدی در وجودم احساس می کردم که برای جبران از پرت به ملبورن ۲ مهاجرت کردم. همان موقع بود که دوستم پیشنهاد خواندن کتابی را به من داد و توصیه کرد که همزمان روی روح و جسمم نیز کار کنم. آن وقت بود که متوجه شدم همه چیز پول نیست بلکه علاقه است. به واقعیت درونیم و علاقه هایم پی بردم. خواندن کتاب های گوناگون در مورد جسم و روح سبب شد دنیای درونم را کشف کنم و همزمان به شناخت عمیق روح و جسمم پردازم. برای این منظور سفری طولانی را به دوران کودکی ام آغاز کردم. تعمق در واقعیت درونیم زندگی را برای من زیبا و جذاب کرد.

استعداد هر انسانی خاص و منحصر به فرد است اگر شناخته نشود از بین می رود و با حسرتی زندگی ناتمامش به پایان میرسد. این بار نجوهای قلبم را دنبال کردم زیرا به عقیده ای من هنگامی که دنبال خواسته های قلبی و آرامش درونی باشیم راههای موفقیت به صورت پلکانی طی میشود و پول و ثروت خود به خود به وجود می آید اما آرامش فکر و راحتی ذهن است که توسط قلب حاصل می شود. این دانسته ها اندکی از ثروت من است که تقدیم می کنم به خواننده های عزیزم.

## مقدمه:

تنها ماهی مرده است که با جریان آب حرکت می کند

"بودا"

هیچ چیز زیباتر و دلچسب‌تر از این نیست که انسان با علاقه زندگی کند و همیشه از زندگی‌اش لذت ببرد. به این امید خواب شبانه‌اش کوتاه می شود تا روز جدیدش را زیبا آغاز کند.

درون آدم‌ها شبیه به یک اقیانوس است. اقیانوسی بزرگ پر از شگفتی و مملو از رمز و راز. از این رو با تمام قدرت، تلاش تان را به کار بگیرید تا اقیانوس درون تان را عمیق کاوش کنید. همین که به آخراقیانوس وجودتان می رسید، می بینید که دیگر رازی وجود ندارد و همه چیز روشن است و تمام آنچه که باید درباره‌ی باطن تان بدانید را کشف کرده اید. البته این کار سختی است. در این کتاب خواهید دید چطور می شود علایق واقعی تان را بشناسید و آنها را دنبال کنید.



درحقیقت علاقه آن چیزی است که در وجودمان نهفته است هر یک از ما علاقه یا علایق خاصی داریم و در یک زمینه خوب هستیم اما در زمینه دیگری نمی‌توان به خوبی عمل کنیم. برای مثال: یکی موسیقیدان و دیگری خواننده یکی طراح و آن یکی خیاط است .

در این دنیای لایتناهی هیچ انسانی بی هنر آفریده نشده است. بسیاری از انسانها پا به این هستی میگذارند و بعد از طی سفری کوتاه یا بلند بدون اینکه استعداد و علاقه‌اشان را بشناسند با حسرت از این دنیا رخت برمی بندند.

اما مشکل کجاست است؟ چگونه می‌توانیم استعداد و علایق خود را کشف کنیم؟

من بعد از تحقیق و بررسی و نیز مطالعات گوناگون در زمینه شناخت استعداد و علایق به چندین راهکار مهم و کاربردی رسیدم که امیدوارم چراغ راهنمایان باشد.

## چرا با خودمان بیشتر وقت بگذرانیم؟

مراقب ارتباطاتمان باشیم اولین شخص خودمان

"تونی رابینز"

هنگامی که در میان دوستان و اقوام بصرمی‌بریم یا در جمع‌های گوناگون حضور داریم فرصتی برای تمرکز و با خود بودن نداریم. از خودمان دور دورتر می‌شویم. حتی زمانهایی که تلویزیون می‌بینیم یا با اینترنت سرگرم هستیم از خودمان دور میشویم و در دنیای مجازی گم می‌شویم چه بسا که ذهن ما تحت کنترل دنیای غیر واقعی (رسانه های مجازی) میشود و روی باورهایمان تاثیر میگذارد.

کارهای بیهوده و بی‌هدف مانند علف‌های هرزه‌ستند که مانع رشد روح و روان ما می‌شوند. بنابراین سپری کردن زمانی با خود و گاهی تنها شدن به رشد درونی ما کمک فراوانی می‌کند. به عنوان مثال گاهی خودمان را به صرف یک چای یا قهوه یا حتی شام دعوت کنیم و یا چه لذت بخش و شیرین است زمانی که به تنهایی و برای دل خودمان آشپزی کنیم.

هرازگاهی با خودمان صحبت کنیم تا بدانیم چه انتظاراتی داریم؟ چه

چیزهایی از زندگی می‌خواهیم؟ و چه چیزهایی را دوست داریم؟

چه چیزهایی ما را خوشحال میکند و از چه چیزهایی لذت می‌بریم و

با جواب پیدا کردن آنها میتوان تسلط بیشتری بر خودمان و زندگی مان

داشته باشیم ما هیچ گاه نمی‌توانیم بیرون و شرایط بیرون را کنترل کنیم

ما فقط می‌توانیم خودمان را کنترل کنیم. افسرگی هنگامی نمایان می

شود که ما نمی‌توانیم خودمان را کنترل کنیم. بنابراین با خودشناسی

میتوانیم راه کنترل خودمان را بدست آوریم. یکی از چیزهایی که به آرامش

روح و فکر مان کمک می‌کند مدیتیشن است. البته به صورت مستمر

درمدتیشین ، راهبها پیشکسوت هستند. آنان زمان زیادی را صرف

مدیتیشن و یوگا می‌کنند و از این راه انرژی خاصی برای کشف درون

خودشان بدست می‌آورند تا حقیقت وجودشان را کشف کنند.

مدیتیشن یا مراقبه یک هنر واقعی است که به جسم و روح آرامش

می‌بخشد و استرس را کاهش می‌دهد .

محققان دانشگاه کالیفرنیا، دریافته‌اند افرادی که تمرینات مدیتیشن انجام می‌دهند در دروسی که نیازمند استدلال‌های کلامی است، عملکرد بهتری دارند و همچنین تاثیرات مثبتی را در حافظه فعالشان تجربه کرده‌اند. انجام مدیتیشن به صورت حرفه‌ای، تکنیکی موثر و کارآمد است در بهبود عملکرد شناختی، و همچنین رسیدن به دستاوردهای ارزشمند از جمله عملکرد حفاظتی مغزتان را تغییر می‌دهد در نتیجه خواب بهتری خواهید داشت.

به جرات می‌توان گفت مدیتیشن مجموعه‌ای از تکنیک‌ها است، که هدف آن تشویق به افزایش یا تغییر سطح آگاهی است و نشان دهنده‌ی مزایای زیادی در بهزیستی و روانشناختی افراد است.

تاریخ پیدایش مدیتیشن به هزاران سال پیش (حدود ۵۰۰۰ سال) به آئین‌ها و دین‌های بزرگی مانند بودائیسیم و هندوئیسم برمی‌گردد که در گسترش آن تاثیر بسزایی داشته‌اند. حتی گاهی در ادیان مذهبی مانند مسیحیت، یهودیت و اسلام از اقدامات مدیتیشن بهره می‌برند. اما با این حال بسیاری از افراد این عمل را فارغ از هرگونه اعتقادات مذهبی یا معنوی

انجام می‌دهند. مدیتیشن در سراسر آسیا مورد استفاده قرار می‌گرفت اما سرانجام در قرن بیستم راه خود را به سایر نقاط جهان باز کرد. طی دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی تا کنون مدیتیشن در غرب مورد توجه فرهنگ‌های مختلفی قرار گرفته است. حتی علم پزشکی نیز در چندین دهه اخیر از مدیتیشن به عنوان رویکردی که شامل آگاهی ذهن بر جسم است برای درمان و کاهش بیماری‌های روحی همچون استرس، افسردگی، اضطراب بهره می‌برد.

هرچند مدیتیشن روش‌های مختلفی دارد در اینجا مدیتیشن به سبک خودم را توضیح می‌دهم.

## چگونه مدیتیشن کنیم؟

### مدیتیشن به سبک و سیاق سعید نیا

ده نفس عمیق بکشید هنگام دم، دستهایتان را به سمت آسمان بالا برده و همزمان با بازدم افکار منفی را از ذهنتان دور کنید .

تمرکز ذهن روی یک گل سرخ، تصور کنید آرام آرام درون یک گل رز نفوذ کرده اید و خودتان را نشسته در مرکز گل تجسم کنید.

سپاسگزاری برای تمام داشته های کوچک و بزرگتان.

ابراز علاقه به تمام انسان های ساکن روی کره زمین و برآورده شدن تمام آرزوهایشان.

تمرکز بر روی رویاها و تمام اهداف کوچک و بزرگ و کوتاه مدت و بلند مدتتان و مجسم کردن خودتان که به اهداف و رویاهایتان دست یافته اید.

داشتن انگیزه بیشتر و تصمیمات بهتر نسبت به روزهایی که سپری کرده اید.

برنامه ریزی دقیق یک روزه برای شروع یک روز خوب.

## چرا کنجکاو باشیم؟

زندگی همیشه دو حالت دارد یا رشد می کنیم یا به سمت نابودی می رویم  
"تونی رایبیز"

همیشه سعی کنیم کنجکاو و جست و جوگر باشیم البته نه در زندگی  
دیگران بلکه نسبت به جهان هستی و ماهیت وجودیمان و بیابیم چه هنری  
داریم و چه چیزهایی ما را خوشحال می کند.

کنجکاو باشیم، از منطقه ای امن خود خارج شویم تا بتوانیم تجارب  
جدیدی به دست آوریم. در صورت امکان سفر کنیم و با مردم مختلف آشنا  
شویم، دقت کنیم هر چیزی را که مشاهده می کنیم و یا احساس می کنیم  
و برایمان جالب است را یادداشت کنیم.

همه ی ما انسان ها با چندین مسیر بالقوه برای رسیدن به موفقیت های  
شخصی و شغلی در این زندگی متولد می شویم. ممکن است بعضی از ما  
هیچ گاه نتوانیم تنها یک کار و مسیر مشخص برای خود پیدا کنیم که فقط  
برای ما مناسب باشد، اما برخی از ما هم ممکن است در چندین زمینه ی

مختلف که موردعلاقه‌مان است مشاغل زیادی پیدا کنیم که از انجام آن‌ها احساس خشنودی کنیم.

شناخت خود می‌تواند اولین قدم برای شناخت علایق و خواسته‌های ما باشد و راه را برای قدم‌های بعدیمان که همان تعیین اهداف است میسر سازد.

ما آن چیزی را پیدا می‌کنیم که به دنبالش هستیم سعید نیا  
سالیان دراز با چگونه مدیریت کردن و اولویت بندی استعدادها و علایقم سردرگم و بلا تکلیف بودم.

معمولاً هریک از ما در چند زمینه‌ی متفاوت، استعدادها و علایق خاصی داریم. استعداد و علاقه را با هم به کار می‌برم چون علاقه به یک فعالیت یا موضوع، معمولاً نشانه‌ی وجود استعدادی در آن زمینه است. بیشتر افراد وقتی استعدادهای چندگانه‌ی خود را کشف می‌کنند، در اولویت‌بندی و مدیریت آنها ناتوان و یا دچار سردرگمی و بلا تکلیفی می‌شوند. برای من بیش از بیست سال طول کشید تا بتوانم از این سردرگمی خارج شوم. چه بسا اگر میدانستم ۲۰ سال طول نمی‌کشید عدم دانش و اطلاعات کافی در



زمیته باعث سردرگمی من در زندگی شد و من با جستجو و کتابخوانی و آموزش و خطا به به نتایج رسیدم .

## موفقیت آن سوی ترس است سعید نیا

انسانهای کنجکاو به هر سو سرک می کشند و معمولاً موفق ترند. به نظر شما اینطور نیست؟

کنجکاو بودن یعنی اینکه خود را با دنیای اطراف درگیر کنیم و یک شخص سرسری نباشیم، یعنی اینکه حداکثر بهره را از زندگی خود ببریم پس بیکار ننشینیم چون دنیای اطرافمان منتظر کاوشگری شماست. بیایید به کودک درون خود تلنگری بزنیم و آن امیالی را که دوست داشتیم مثلاً به هر گوشه‌ای سرک بکشیم و هر سنگی را برگردانیم دوباره بیدار کنیم . و ما هنوز همان کودکانیم که با بازی کردن و کنجکاوای ذهنمان بازتر میشویم.

### کنجکاوای کمک میکنند مغزی فعال و سالم داشته باشیم.

افراد کنجکاو همیشه جزو کسانی هستند که سوال می پرسند و دنبال راه حل می گردند. ذهنشان هیچگاه آرام نیست. مغز مثل عضله‌ای است که

فقط با استفاده روزانه و مداوم می‌تواند قویتر شود. از طریق بررسی و به چالش کشیدن ایده‌هایتان، از مغزتان یک ماشین مبارز و واکنش‌گر بسازید. کنجکاو با باعث مستحکم تر شدن رابطه‌هایتان می‌شود.

کنجکاو بودن نسبت به مردم و دنیای اطراف، زندگی اجتماعی شما را شکوفاتر می‌کند. کنجکاو، درها و ایده‌های جدیدی را به سوی شما می‌گشاید.

وقتی که در مورد موضوعی کنجکاو می‌شوید، ذهن شما شروع به ایده‌پردازی حول آن موضوع می‌کند. کنجکاو به ذهن کمک می‌کند تا ایده‌های جدیدی خلق و بر آن تمرکز کند و سپس شما می‌توانید آن را بسط دهید.

در اطرافمان پدیده‌های بسیاری هستند که از یک چشم غیرمسلح مخفی مانده‌اند و باید با سلاح‌های گوناگون آنقدر بگردیم تا حقیقت آنها را کشف کنیم. کنجکاو هم اینگونه است. راهی است که برایتان فرصت خلق می‌کند. با کنجکاو بودن، قادر هستید فرصتهایی که تا پیش از این نمی‌دیدید را براحتی مشاهده کنید. یک ذهن کنجکاو می‌خواهد تا ورای

همه چیز را بکاود و و دنبال ممکن‌ها و ناممکن‌ها بگردد. کنجکاوی هیجان آور است.

کنجکاوی دائمی باعث می‌شود با بیحالی و گرفتگی وقتتان را سپری نکنید. همیشه چیزهای جدیدی پیدا می‌شود که ذهنهای کنجکاو را به سوی خود بکشاند. افراد کنجکاو بجای اینکه کسل باشند، یک زندگی ماجراجویانه را برای خود خلق می‌کنند و همیشه از زندگی کسالت آور دور هستند .

اگر واقعاً دوست داریم پیشرفت کنیم مثل من باید هر روز دنبال آن باشیم. لحظات بزرگ به سراغ افراد سست و بیحال نمی‌آید. ذهن خود را سرزنده نگه داریم و کنجکاو بمانیم. به نظر من افراد کسل‌کننده، افراد بی‌استعدادی هم هستند. مثلاً من با ورزش کردن اول صبح و مدیتیشن کردن سطح انرژی خودم را بالا می‌برم و روزانه ۱۰ تا ۱۵ نفس عمیق میکشم و عصرها پیاده روی در فضای سبز را در برنامه روزانه ام دارم.

انسانی که نقطه امنیت خود را دوست دارد مانند کسی می‌ماند که در یک اتاق زندگی می‌کند و روزی سه وعده غذا می‌خورد و احساس امنیت

میکنند و صد سال هم عمر میکنند به نظر شما این چگونه زندگی است؟ آیا

شما دوست دارید؟

## چرا تحقیق و کتاب؟

یک روز یک کتاب خواندم و تمام زندگی من تغییر کرد اورهان پاموک ذهن ما بر اساس اعتقادات و فلسفه هایمان شکل می گیرد کتاب خواندن مستمر البته نه هر کتابی بلکه کتابهایی که کمک به پربار شدن روح و ذهنمان کند ما را به سوی زندگی حقیقیمان سوق می دهد. و هر چه ذهن پربارتر باشد زندگی راحت تری خواهیم داشت.

برای افرادی که هیچ چیزی در مورد علایق خود نمی دانند و احساس سردرگمی می کنند بهترین دوست کتاب است و همنشینی با افراد موفق یادمان باشد خواندن کتاب روشی فوق العاده برای یافتن علایق و درنهایت اهداف ماست. می توانیم در مورد چیزهایی که به آنها علاقه داریم بخوانیم یا در مورد زندگی نامه ی افراد موفق تحقیق کنیم و کتاب های این چنینی را مطالعه کنیم. هنگامی که با کتاب خواندن و آشنا شدن با تجربیات افراد موفق در حقیقت تجربیاتی را که آنها بعد از گذشت سالیان بدست آورده اند ما در یک روز میخوانیم و سالیان سال جلو می افیم و میتوانیم در زمان کوتاه یک زندگی خوب بدست آوریم و دیگر آن خطاها را تکرار نکنیم .

کتاب‌های ارزشمندی هم در مورد پرورش روح و جسم تالیف شده‌اند که خواندنشان مفید است. در این میان از مطالعه کتابهای اطلاعات عمومی غافل نشویم و اگر می‌خواهیم فردی باشیم باسواد و بامعلومات بالا، فقط باید کتاب بخوانیم و بخوانیم.

بیشتر افراد کتاب‌خوان آدم‌های جالب و جذابی هستند اما معمولاً آن‌هایی که کتاب نمی‌خوانند آدم‌های دوست‌داشتنی نیستند و همنشینی با آن‌ها کسالت‌بار خواهد بود. هرچقدر اطلاعات و دانش بیشتری داشته باشیم امکانات بیشتری برای مقابله با مشکلات زندگی در اختیارمان قرار می‌گیرد و همدلی مان با دیگران بیشتر می‌شود زیرا کتاب‌های زیادی هستند که ما را به دنیای بزرگتری سوق می‌دهند بطوریکه از محیط شخصی خود دور شده و وارد واقعیات زندگی و تجربیات دیگران می‌شویم. برخی کتاب‌ها آنقدر پر قدرت و تاثیرگذارند که توانایی تغییر فکرو دیدگاهمان را دارند.

### **پیشنهاد نویسنده:**

کتاب : راهبی که اتومبیل فراری‌اش را فروخت . اثر: رایین شارما

## چرا دوران کودکی؟

خاطرات زمان کودکی رویاهایی هستند که با ما می ماند پدیدار میشوند وقتی از خواب بیدار میشویم

آیا از کودکی تان و سرگرمی‌هایتان خاطره ای دارید؟ چه آرزویی داشتید؟ چه بازی‌هایی می کردید؟ و با دیدن چه چیزهایی از ته دل میخندیدید و شاد بودید؟ ماشین بازی؟ خوانندگی؟ مهندسی؟ و... پس سعی کنیم با مرور دوران کودکی رویاهای کودکیمان را پیدا کنیم.

باید به درون خودمان نگاه عمیقی بیندازیم . مغز ما در طول عمر تغییرات زیادی میکند. برخی از این تغییرات ناشی از محیط اطراف و برخی دیگر حاصل ژنتیک است. عادی است که در این سال ها ذائقه ها، ویژگی های رفتاری، ارزش‌ها، باورها و مخصوصاً علایق ما تغییرات زیادی کرده باشد.

من در دوران کودکی علاقه‌ی زیادی به طراحی و نقاشی داشتم با انواع مدادهای رنگی، آبرنگ ، مدادشمعی خانه های متفاوتی طراحی و رنگ

آمیزی می‌کردم و یا اکثر اوقات با گل و پازل‌های کوچک و بزرگ ، خانه سازی می‌کردم و اما اکنون بعد از گذشت سالها کم کم آن ذوق و شوق آتیشینی که برای ساخت وساز و طراحی و چیدمان داشتم من را به رویای کودکی ام برگرداند و اکنون یک طراح و مهندس و دیزاینر موفق در ساخت و ساز هستم. این اصلاً اتفاق نادری نیست ، همه ما این موارد را تجربه کرده‌ایم و خواهیم کرد.

اما من چرا باید از عشق و علاقه‌هایم در دوران کودکی بگویم؟ چه لزومی داشت ؟ عشق و علاقه کودکی من تا حدودی به صورت دقیق اما تقریباً مشابه آن، هنوز هم با من است.

پس با نگاهی دقیق به دوران کودکی تان می‌توانید به شناخت دقیق تری نسب به خود برسید.



## چرا نترسیم؟

کسی که از شکست خوردن می‌ترسد حتما شکست می‌خورد

ناپلیون بناپارت

برای زندگی کردن نترسیم اگر زندگی افراد موفق را مطالعه و بررسی

کنیم متوجه می‌شویم همه آنها هم این ترس و دلهره را بارها و بارها تجربه

کرده‌اند. در حقیقت نقطه‌ی آزاد انسان‌های موفق زمانی است که از آن

نقطه خارج می‌شوند. فرصتها آن جایی دارای اهمیت هستند که ترس‌ها

وجود دارند و هر چیزی که درونش ترس باشد بدنبالش فرصت است و در

حقیقت همه اینها باز می‌گردد به قدرت ذهنی که روی آن تامل و تعمق

کرده‌ایم و انرژی گرفته‌ایم.

تحقیقات علمی ثابت کرده است چیزی به نام ترس وجود ندارد ترس

چیزی است زاییده افکار ما که آن را بزرگ میکنیم.

هیچ چیز زیباتر از این نیست که دنبال هدف باشیم انسان بی هدف  
مانند کشتی است وسط دریا که هدفی ندارد و هر جا موج بیاید به همان  
سمت می‌رود.

باید برای هدف و خواسته خود جنگید زندگی بدون هدف مرگ و نابودی  
است همراه با حسرت بنابراین برای اهداف خود جنگیدن خیلی با ارزش تر  
از مردن با حسرت است.

موفقیت‌های خوب جایی به وجود می‌آید که ترس وجود دارد.

ما در زندگی دو انتخاب داریم زندگی همراه با ریسک و کارهای مختلف  
یا زندگی بدون ریسک و تکرار روزمرگی اما هنگامی که به ۹۰ سالگی برسیم  
و به گذشته بنگریم " کدام زندگی برایمان جذاب تر است؟؟

## چرا نظر سنجی از دوستان نزدیک؟

آنان که پیروز می‌شوند همان کسانی هستند که از مشورت دوستان بهره می‌برند.

ویلیام شکسپیر

دوستان آشنایان و بستگان و نیز همراهانی که سالیان دور و نزدیک در موقعیت و شرایط‌های گوناگون همراه ما بوده‌اند. آنها سالهاست که ما را می‌شناسند و ما معمولاً همفکر با دوستانمان هستیم و تا حدودی شبیهه به آنها. نظرسنجی از دوستانمان کمک بزرگی به ما در شناخت خودمان می‌کند. البته این نکته قابل ذکر و بسیار حایز اهمیت است که در مجموع تصمیم منطقی خودمان ملاک است.

گاهی اوقات فکر می‌کنیم خوب و عالی هستیم. با یک امتحان ساده پی به یک واقعیت می‌بریم.

کافیست جلوی آینه برویم و خودمان را دقیق نگاه کنیم.

لباس‌هایمان، کارت بانکی، همسر، خانواده، کار و شغل ظاهر و باطن  
خودمان را بررسی کنیم آیا از خودمان راضی هستیم کجای کار ایراد داریم؟  
باید با خودمان صادق باشیم و صادقانه خودمان را بنگریم آنگاه بهتر تصمیم  
میگیریم.

در صورت ناراضی بودن از شرایط موجود مشخص می‌شود که راه  
اشتباهی را می‌رفته‌ایم و اکنون باید به فکر تغییر آن باشیم.

## جمع بندی:

نگران نباشید: بعضی از علاقه‌ها و استعدادها در مسیر زندگی بدست می‌آید همان طور که من بعد از جابه‌جایی‌ها و مهاجرت‌ها و فراز و نشیب‌های زیاد مسیرم را پیدا کردم شما هم روزی به مقصد خود خواهید رسید. اگر زودتر به این مطالب پی می‌بردم آنگاه بهتر به اهدافم می‌رسیدم. اگر کتابی در این مورد پیدا می‌کردم زودتر به نتیجه می‌رسیدم . بنابراین تصمیم به نوشتن این کتاب گرفتم همین طور که این مطالب چراغ راه من بود و زندگی من را تغییر داد امیدوارم مسیر شما را هم تغییر دهد .

اگر شما با خواندن این کتاب نتوانستید علایق خود را پیدا کنید نگران نباشید در طول مسیر زندگی این علایق با جستجوی شما پیدا خواهند شد. انسانی که علاقه و استعداد ناشناخته دارد در زندگی مانند آدمی است که در یک اتاق مکرر رفت‌وآمد می‌کند.

از وقتی که این مطالب را یاد گرفتم احساس سنگینی داشتم ، تمایل داشتم دانسته‌هایم را با دیگران به اشتراک بگذارم و خوشحالم که با این کتاب این کار را انجام دادم و اکنون احساس سبک بالی دارم.

آنچه که شما دنبالش هستید آن هم در جستجوی شماست

